

ایبدهوش

سال سی و هشتم، شماره پنجم و هشتم
آذر-اسفند ۱۴۰۴ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۵ و ۲۱۶

۲۱۵

۲۱۶

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هشتم، شماره پنجم و هشتم
آذر-اسفند ۱۴۰۴

سید احمد رضا قائم مقامی | امیرحسین آقامحمدی | سیدعلی میرافضلی | ویلیام جیتیک / طه عبداللہی
عبدالجبار رفائی / محمد سوری | نوموکی اوکاوازا / ناوفومی آبه - امید رضائی | مرتضی کریمی نیا | امید حسینی نژاد
مجید جلیسه | سلمان ساکت | فرهاد طاهری | نذیر احمد / شیوا امیرهدایی | مهدی حبیب اللہی | طیبہ حاج باقریان
میلاد بیگدلو | حمیدرضا تمدن | رقیہ فراہانی | رسول جعفریان | جویا جہانبخش | مجدالدین کیوانی
نادعلی عاشوری تلوکی | علی راد | حیدر عبوضی | امید طبیبزادہ

یادداشت‌های شاهنامه (۹) | ماجرای تصحیح ینابیع العلوم | نوآوری‌های ابن یمین در فرم رباعی
وحدت وجود و اسفار اربعه نزد فرغانی (و. ۶۹۹) | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۴)
محکمه اسلامی منطقه عرب زبان دمشق و منابع آن در دوره عثمانی | نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۲۳)
خراسانیات (۷) | چاپ‌نوشت (۲۲) | مبلّغی ہنجارگریز | طومار (۱۴) | آینه‌های شکسته (۱۲)
درنگی در تأویل عرفانی حدیث نبوی «لَا یَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» در آثار عین‌القضات ہمدانی | مطایبه اتابکی با
کاخی در «حلوائیہ» | مطالعات زبان و ادب فارسی در شبہ قارہ (۱) | تحلیلی بر اندیشہ و آثار جان‌اتان ای. سی.
براون: بازخوانی سنت نبوی در جهان مدرن | سکوتی کہ سخن می‌گوید: تحلیل دفتر روزانہ حاج احمد
خادمی در خدمت آیت‌اللہ بروجردی | «سنگ‌پشت» سبک‌سنگ: قرائت عبارتی از ترجمہ تفسیر طبری | از
اینجا رانده و از آنجا مانده: مطالعہ‌ای درباره ایگناتس گلدریہر | اشعار تازه‌یاب از شاعران دورہ قاجار با استناد
به نشریات آن عصر | بحر الفراید، منظومہ‌ای با رویکرد «تسنن دوازده‌امامی» | گلپتڑہ‌های آکادمیک در
کتاب «سعدی در زبان و ادبیات آرمینی» | تأملی در مقالہ «گذری بر ترجمہ قرآن دکتر حداد عادل»

نکته، حاشیہ، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رینہ ولک (۴)
♦ گفتگو با ویرایش‌های مختلف حدیث افتراق الاقة

ماجرای تصحیح منابع العلوم

امیرحسین آقامحمدی

| ۲۳ - ۴۰ |

۲۳

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶

سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶

آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴

مقدمه^۱

رواج تفسیرنویسی به زبان فارسی در قرن ششم هجری شگفت‌انگیز است. نمونه‌های بارز آن عبارت‌اند از: کشف الاسرار ابوالفضل میبیدی (آغاز نگارش ۵۲۰ق)، لطائف التفسیر ابونصر درواجکی (نگارش در سال ۵۱۹ق)، بصائر معین‌الدین نیشابوری (بین ۵۲۱ تا ۵۴۵ق)،^۲ تفسیر ابوحفص نسفی (پیش از ۵۳۸ق)، روض الجنان ابوالفتح رازی (۵۵۴ق) و درنهایت ینابیع العلوم اندخودی که در نیمه دوم قرن ششم نگاشته شده است.

نویسنده مقاله در چند سال اخیر به نگارش رساله دکتری و تصحیح تفسیر منیر^۳ امام حدادی (۴۵۷ق) مشغول بوده است. یکی از مشکلات پژوهش‌نسخ تفاسیر فارسی، نام‌اشخاصی همچون قاضی ابوعاصم عامری و بویوسف غزنوی است که اقوالشان در تفاسیر فارسی تکرار شده است. در خلال پژوهش پیرامون این اشخاص متوجه شدم تفسیری که پیش از این مهین طهماسبی، دانشجوی پژوهشگاه علوم انسانی، در سال ۱۳۹۹ تصحیح کرده، درواقع همان تفسیر اندخودی است. شیخ مونسی (۱۳۸۹)، طهماسبی (۱۳۹۹) و درنهایت جهاندار ورنوسفادرازی (۱۴۰۳)، سه پژوهشگر زبان و ادب فارسی هستند که هر کدام به تصحیح بخشی از متن تفسیر «ینابیع العلوم» اندخودی پرداخته‌اند. ارزش کار آنها انکارشدنی نیست؛ چراکه هر کدام بخشی از این متن مفصل را تصحیح کرده‌اند. البته به کار بزرگی دست برده‌اند و دقتشان شایسته تحسین است. جهاندار به تصحیح مقدمه اندخودی، سوره یوسف، داستان برصیصا و داستان معراج پرداخته است، طهماسبی سوره بقره تا نساء را تصحیح کرده است و شیخ مونسی نیز سه سوره توبه، یونس و هود (جزء دهم) را تصحیح کرده است. همت آنها در این کار ستودنی است؛ اما به نظر می‌رسد پژوهش در احوال اندخودی و توصیف ویژگی‌های زبانی و رسم‌الخطی نسخه‌های ینابیع العلوم، مصداق دوباره‌کاری و تکرار بوده است. دسترسی نداشتن به اطلاعات کافی در پیشبرد تحقیقات، گریبانگیر این سه پژوهشگر شده است. مقاله حاضر از دو بخش تشکیل شده است؛ در بخش نخست چند نکته درباره ینابیع العلوم خواهیم گفت که در تکمیل نوشته‌های پژوهشگران پیشین است. بخش دوم نیز به بررسی شماری از منابع اندخودی اختصاص دارد.

۱. دسترسی به چند نسخه خطی از ینابیع‌العلوم به همت و همراهی دکتر جواد بشری امکان‌پذیر شد؛ از این رو وظیفه خود می‌دانم از ایشان سپاس‌گزاری و قدردانی کنم. حق ایشان بر نگارنده تنها به واسطه اشتراک گذاشتن نسخه‌های خطی نیست، بلکه ایشان در دوران تحصیلم راهنمای علمی و مشاور امین این جانب بوده‌اند.
۲. علامه محمد قزوینی احتمال می‌دهد که کتاب در ۵۴۵ق نوشته شده اما حسن انصاری تاریخ نگارش بصائر را بعد از سال ۵۲۰ق دانسته است.
۳. معانی کتاب الله و تفسیره المنیر.

۱. پیشینه پژوهش

نخست از نسخه ۱۱۹۳۰ مجلس شروع کنیم. این دستنویس را ابتدا روضاتی و سپس جواد بشری «بر اساس زبان کهن اثر و قدمت نسخه، احتمالاً از سده ششم یا هفتم» دانسته اند (نک. بشری ۱۳۹۲: ۸۷). در نهایت مهین طهماسبی آن را در قالب رساله دانشگاهی بررسی کرده و نتیجه پژوهش خود را عرضه کرده است. متأسفانه طهماسبی در شناسایی نسخه ۱۱۹۳۰ مجلس شورای اسلامی موفق نبوده است؛ مقاله مستخرج از رساله طهماسبی با عنوان «واژه‌های فارسی مشکول در تفسیر ۱۱۹۳۰ کتابخانه مجلس» در آینه میراث شماره ۶۷ به چاپ رسیده است.^۱ نویسندگان مقاله (طهماسبی و پورنامداریان) آورده‌اند: «تفسیر شماره ۱۱۹۳۰ کتابخانه مجلس نسخه‌ای منحصر به فرد در یک مجلد است که از ابتدای سوره بقره شروع میشود و به آیه «إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (نساء: ۱۷۱) ختم می‌شود. به نظر می‌رسد جلدهای دیگری هم داشته که متأسفانه در دست نیست ... طبق قراین نسخه شناختی به ویژه ابیاتی از سعدی و مولوی، متأخر بودن آن نیز بعید نیست. تاریخ کتابت نسخه در پایان سوره آل عمران پنجشنبه ۹ جمادی الاولی ۸۹۸ ق رقم خورده است» (طهماسبی، پورنامداریان، ۱۳۹۹: ۱۶۴). این جملات ناقص و نارسا و چنانکه گفته خواهد شد نسخه‌های متعددی از این کتاب در دست است.

جهاندار درباره پیشینه پژوهش در ینابیع العلوم در رساله‌اش اشاره کرده است: «این تفسیر نخستین بار توسط پژوهشگر افغانستانی، محمد صالح پرونتا شناسانده شد ... مقاله دانش پژوه تا امروز مهم‌ترین مقاله در این باره است. و اما اولین و تنها کار بر روی متن ینابیع العلوم، تصحیح بخشی از متن است که توسط خانم حوریه شیخ مونس، در چارچوب پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام شده است (شیخ مونس، ۱۳۸۹). ایشان تفسیر سه سوره توبه، یونس و هود را به صورت تک نسخه بر اساس نسخه مغنیسا تصحیح کرده‌اند» (جهاندار ورنوسفادرائی، ۱۴۰۳: ۹).

هیچ‌یک از پژوهشگران یادشده از پرونتا و شیخ مونس گرفته تا جواد بشری و جهاندار، آگاه نبوده‌اند که دستنویس شماره ۱۱۹۳۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی هم یکی از نسخه‌های ینابیع العلوم اند خودی است. این دستنویس که ابتدا روضاتی و پس از او جواد بشری بدان توجه کرده‌اند، تفسیری قرآنی است که از آغاز سوره بقره تا پایان سوره نساء را دربردارد و به احتمال زیاد، با دستنویس شماره ۱۴۵۰۱ کتابخانه آیت الله مرعشی^(ره) (قم) از یک خانواده متنی است و بعید نیست به دست یک نفر کتابت شده باشد؛ اما از آنجاکه نگارنده این سطور به همه نسخه‌های خطی ینابیع العلوم دسترسی ندارد، اظهار نظر قطعی در این باره امکان پذیر نیست.

۱. مقاله مستخرج از رساله جهاندار ورنوسفادرائی با عنوان «پژوهشی در تفسیر ینابیع العلوم آند خودی» نیز در همان نشریه منتشر شده است (نک. جهاندار، ۱۴۰۲).

جهاندار ده نسخه از بنایع العلوم را معرفی می‌کند و در نهایت می‌نویسد: «با کنار هم قرار دادن هر ده نسخه موجود باز تفسیر کامل نمی‌شود؛ از آیه ۱۹۶ اعراف تا ۳ توبه و از ابتدای فرقان تا ۶ نجم را نداریم و در میان آیات ۷۸ نساء تا ۱۸۲ اعراف به طور پراکنده ۶۴ آیه افتاده است. این مقدار در مجموع می‌شود حدود ۱۹۱ صفحه از ۶۰۴ صفحه قرآن به خط عثمان طه همچنین افتادگی‌های کوچک دیگر در برخی نسخه‌ها هست؛ یعنی تفسیر نزدیک به یک سوم قرآن را نداریم» (جهاندار و نوسفادرائی، ۱۴۰۳: ۵۴).

وی مقدمه تفسیر اند خودی را بر اساس سه نسخه و دو داستان معراج و برصیصا را بر اساس تک نسخه تصحیح کرده است. جهاندار در این باره نوشته: «هدف اصلی ما در این رساله، انجام دادن کاری بوده است که به شناخت کلی این متن کمک کند تا مقدمات لازم برای کارهای مفصل‌تر و مهم‌تر از جمله تصحیح کل متن آماده گردد. از همین رو بخش‌های مختلفی از نسخه‌های مختلف انتخاب شد تا با بررسی دقیق هر یک به شناخت بهتری از نسخه‌ها و متن تفسیر برسیم. بخش‌های منتخب عبارت‌اند از: مقدمه تفسیر، بخشی از داستان حضرت یوسف (ع)، بخشی از ماجرای معراج پیامبر (ص) و حکایت برصیصای عابد» (همان: ۵۶).

برای رفع تردید درباره یکی بودن این دو متن، در ادامه دو بخش کوتاه از رساله طهماسبی با نسخه شماره ۱۴۵۰۱ کتابخانه آیت الله مرعشی^(۵) مقابله می‌شود:

| | |
|---|---|
| و رعد نام فرشته‌ایست تسبیح می‌گوید نام وی رعد. و برق زدن آن فرشته ایست تازیانه آتشین را بر ابر [می‌زند]. | و رعد نام فرشته‌ای [است که] ابر را میراند. قول دیگر: آواز ابر است و گفته‌اند که فرشته‌ای که تسبیح [گ]وید نام وی رعد. و برق زدن آن فرشته است که تازیانه آتش را بر ابر می‌زند. |
| و قول علی و ابن عباس رضی الله عنهما - «البرق ضرب الملك بالمخراق علی السحاب فهو من الحديد تنقدح منه النار» و قول دیگر برق روشنایی فرشته ایست که ابر را می‌راند (مرعشی ش. ۱۴۵۰۱: ۲۶). | [به قول اب]ابن عباس رضی الله عنهم - «البرق ضرب الملك بالمخراق علی السحاب وهو من الحديد تنقدح منه النار» به قول دیگر برق روشنایی فرشته ای است که [اب]ار میراند (طهماسبی ۱۳۹۹: ۹۷). |

و در ادامه مقابله بخشی دیگر از متن پرداخته شده است که جلوه‌هایی از مهارت نویسنده در آرایه‌پردازی و آفرینش وجود دارد و از این نظر قابل مقایسه است با دیباچه گلستان سعدی:

| | |
|---|---|
| مجلس: ... چون تقدیر قدیر به حکمت و اراده ازلیت به بدایع صنایع قدرت در فصل ربیع که جرم شادروان عنبری را زنده گرداند مهمه اغبر را که گلزار کدورت است افلاک کند، | مرعشی: ... چون مقدر تقدیر قدیر بحکمت و ارادت ازلیت از بدایع صنایع قدرت در فصل ربیع جرم شادروان عنبری را زنده گرداند و مهمه اغبر را که گلزار کدورت است گلزار گرداند، |
|---|---|

مجلس: تا از گوشه افنان افلاک را و حیز خاک منصفه جلوه گر[ان] مخدرات گل برسانند تا چون پرده غنچه را عروس گل از پیش چهره خود کشف کند مشاطه قدرت، گلغونه زینت به حسن تربیت بر رخساره وجود او کشد،

مرعشی: تا از گوشه افنان افلاک، اشواک و حضيض [خاک] را منصفه جلوه گری مخدرات گل برساند تا چون پرده غنچه را عروس گل از پیش چهره خود کشف [کند] مشاطه قدرت گلغونه آرایش از الوان نمایش بر رخساره وی کشد،

مجلس: عاشقان بلابل صدای ولوله عشق و ندای آیات آیات برخوانند گیرند تا خطبه توحید بر زبان جمله مخلوقات روان گردد که: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا»،

مرعشی: عاشقان بلابل صدای ولوله عشق و ندای آیات آیات برخوانند گیرند تا خطبه توحید بر زبان جمله مخلوقات روان شود که: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا»،

مجلس: دایه ابر را فرمان آید تا مایعات سیاله را از وعاء حکمت به آن بارگران بردارد؛ پس باد صبا با دست عرضیت پستان ابر را بمالد تا قطرات البان تندو دایه سحاب را به دهان اطفال فطام زده ماه دی رساند،

مرعشی: دایه ابر را فرمان آید تا مایعات سیاله را از وعاء حکمت بان بارگران بردارد؛ پس باد صبا بدست عرضیت، پستان ابر را بمالد تا قطرات البان تندو دایه سحاب را به دهان اطفال فطام زده رساند،

مجلس: لاجرم در آن وقت انبساط، قطع نقاب سحاب در جَوِّ صَبُوْگه* به یکدیگر آسیبی زند آواز انصکاک و انحصاک از گشتن اوزان امزان ظاهر شود مر آن را رعد گویند. *پاورقی طهماسبی: اصل جو صبوگه (؟)... معنا مبهم است (طهماسبی ۱۳۹۹: ۹۸).

مرعشی: لاجرم در آن وقت انبساط قطع نقاب، سحاب در جو ضبوکه^۱ بیکدیگر آسیبی زند. آواز انصکاک انحصاک از کسفه^۲ اوزان قرآن (؟) ظاهر شود مر آن را رعد گویند (نسخه ۱۴۵۰۱ کتابخانه آیت الله مرعشی^(۵): برگ ۲۶ پشت).

طهماسبی در تصحیح نسخه شماره ۱۱۹۳۰ مجلس شورای اسلامی نه تنها به نام کتاب و نام نویسنده پی نبرده بلکه چند باور غلط را تکرار کرده است. در ادامه به برخی از این سخنان ناقص و بعضاً اشتباه اشاره می‌کنیم:

۱. طهماسبی درباره قرآن قدس تنها به دیدگاه‌های قدیم دکتر رواقی تکیه کرده و نظر جدیدتر ایشان را که در مقدمه فرهنگنامه بزرگ قرآنی آمده، ندیده است. برخی جملات به اشتباه در ذهن دانشجویان ادبیات رسوخ و رسوب کرده است. باورها درباره قرآن قدس اشتباه است و باید اصلاح گردد. این باور که «کهن‌ترین ترجمه قرآن، نسخه شماره ۱ آستان قدس رضوی، مشهور به قرآن قدس است» نادرست بوده و چنانکه رواقی در مقدمه فرهنگنامه بزرگ قرآنی توضیح داده نیازمند بازنگری است (برای آگاهی بیشتر بنگرید: رواقی، ۱۳۹۵: نود و نه).

۱. ضبوک الغیث، آمادگی ابر است برای باران (رک. لسان العرب، ذیل «ضبوک»).

۲. پاره و قطعه‌ای از هر چیز را گویند؛ قوله تعالی «کسفاً من السماء» (طور: ۴۴).

۲. وی بدون دقت کافی، آغاز ترجمه قرآن به فارسی را به صحابه بزرگ جناب سلمان فارسی نسبت داده و در این باره به روایت نادرست تاج التراجم استناد کرده است (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۱۲). برای نقد این دیدگاه باید به پژوهش فیروزبخش رجوع کرد؛ او با بررسی کهن ترین نسخه موجود از ترجمه فاتحه الکتاب و تصحیح آن نشان داده است که این ترجمه نمی تواند به سلمان فارسی مربوط و منسوب باشد. به باور فیروزبخش: هرچه هست، ترجمه نمی باید از حدود سال ۲۰۰ هجری دیرتر انجام گرفته باشد و شاید بر خطا نرفته باشیم اگر اصل آن را در میان حنفیان بصره و محیط فارسی زبان آنجا بجوییم» (فیروزبخش، ۱۴۰۳: ۴۴۸).

سخن و پژوهش فیروزبخش متکی است بر نسخه خطی کتاب فضائل القرآن اثر مستغفری (۴۳۲ق) که در مجموعه اسعد افندی نگهداری می شود. براساس این دستنویس، زنجیره نقل این روایت اعتبار کافی ندارد؛ چراکه اسناد آن تا قرن سوم هجری عقب می رود و سپس ناگهان به سلمان فارسی می رسد و این امر تردید جدی در صحت آن ایجاد می کند.

۳. ضبط ابیات سعدی و مولانا که طهماسبی را به شک انداخته است؛ تا جایی که این تفسیر را با قید احتمال متأخر دانسته، از ویژگی های نسخ ینابیع العلوم است؛ به ویژه نسخه مغنیسا (ش ۱۶۷) که در متن و حاشیه در مجموع ۱۶۰ بیت از شاعران مختلف (خاقانی، بندار رازی، ابوسعید ابوالخیر، سنایی و سهروردی) دارد و کاتب سروده هایی از مولانا و سلطان ولد و چند سطر از تذکره الاولیای عطار افزوده است (جهاندار ورنوسفادرازی، ۱۴۰۳: ۲۱-۵۴).

۴. مصحح محترم «نوسف لجامی» را در متن حفظ کرده و در پاورقی نوشته است: «نوسف یا یوسف (؟) به هر حال نامش در میان مفسران یافت نشد» (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۱۶۳) در پاسخ به این مطلب باید گفت که این شخص همان یوسف لجامی است که از ممدوحان حکیم سنایی بوده و گویا نوه دختری خواجه امام ابونصر حدادی است (صفری آق قلعه، ۱۳۹۵: ۱۸). این نقل قول ها حاکی از آن است که نه تنها ابوبکر فرزند خواجه امام بلکه نوادگانش نیز دانش تفسیر را از خواجه امام به ارث برده اند و در این شاخه از علم شهره آفاق بوده اند. اطلاع ما و مقاله صفری که به آن ارجاع داده شد، متکی است به قولی از سمعانی در کتاب المنتخب من معجم الشیوخ که از قاضی یوسف نام می برد و وی را شاگرد ابویعقوب یوسف بن اسرائیل برشمرده است.^۱

۵. مصححان ینابیع العلوم به نقش و دخالت کاتبان شیعی در فرایند کتابت متن توجه نکرده اند. نسخه های تفسیر ینابیع العلوم در برخی موارد در میان شیعیان رواج داشته است و نشانه های

۱. درباره یوسف بن اسرائیل و فرزندش نک. ادامه مقاله حاضر.

دخالت کاتبان یا مالکان شیعی تنها به افزودن لعن و نفرین بر خلفا محدود نیست (برای نمونه نک: جهاندار ورنوسفادرانی، ۱۴۰۳: ۲۵). در نسخه خطی شماره ۱۱۹۳ که طهماسبی آن را تصحیح کرده است، در ابتدای سوره نساء بخشی از متن تذکرة الاولیای عطار درباره زندگی و مناقب امام جعفر صادق (ع) افزوده شده که در سایر نسخ کتاب نیامده است. با توجه به مضمون این الحاقات، دور نیست که اینها نتیجه دخالت یکی از کاتبان شیعی مذهب باشد (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۳۷۷).

نسخه اساسی طهماسبی چهار سوره را دربر دارد که دو سوره آن به صورت کامل به ما رسیده است. پایان بندی یکی از این دو سوره با پایان بندی تفسیر منیر اثر امام حدادی مشابهت دارد؛ نکته ای که پیش از ما، مسیحی پور (۱۳۹۶) به آن توجه کرده است؛ اما جلال متینی مصحح پیشین تفسیر منیر، از کنار آن بی توجه گذشته و آن را «اشتباه و سهو کاتب» توصیف کرده است (متینی، ۱۳۵۲: ۹۵).^۱ شیوه نویسندگان تفاسیر فارسی بدین قرار است که بلافاصله پس از آخرین آیه هر سوره - بدون ذکر بسمله - آیه نخست سوره بعد را می آورند و در همان محل وارد شرح و تفسیری هم می شوند؛ سپس سوره را به پایان می برند و مجدداً تفسیر سوره بعد را از بسم الله شروع می کنند. این ویژگی در نسخه خطی ینابیع العلوم به شماره ۲۹۶ کتابخانه آیت الله مرعشی (۵)، کتابت ۶۶۱ قمری قابل مشاهده است.

پایان سوره ها در نسخه خطی ینابیع العلوم به شماره ۲۹۶ کتابخانه آیت الله مرعشی (۵)، با تاریخ کتابت ۶۶۱ قمری نیز به همین شیوه نوشته شده است. در این نسخه، در پایان سوره ها عبارت «نظم میان این دو سوره چنین است» آمده است. به گمان اند خودی، تمام قرآن از همین گونه پیوند و ارتباط درونی برخوردار است؛ برای نمونه «نظم میان سوره الملک و نون و القلم آنست که...» (۱۱۱ رو) «نظم آخر سوره قلم با اول سوره الحاقه آنست که...» (۱۲۱ رو).

۶. از جمله مصححان این تفسیر شیخ مونسی به منابع مورد استفاده یوسف اند خودی نپرداخته است؛ طهماسبی نیز تنها به آوردن اسامی صحابه و تابعین بسنده کرده و با دسته بندی مفسران بصره، خراسان و مدینه، تنها این سیاهه را به دست داده است: «... ابوبکر و راق ترمذی (۲۸۰ق)، ابومنصور ماتریدی (۳۳۳ق)، ابواللیث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم السمرقندی (۳۷۵ق)، امام ابوالقاسم قشیری (۳۷۶-۴۶۵) - و سائرانی که از حوصله این بحث خارج است - کسانی بودند که مفسر به فراخور موضوع بارها از آنان نقل قول کرده است. او بیش از هر کسی از

۱. پایان بندی این چنینی در تفسیر قرآن پاک نیز دیده می شود که ما در جایی دیگر در رساله دکتری خود به آن پرداخته ایم.

تفسیر سمرقندی بهره برده است. گرچه گاهی به صراحت از او نامی برده نشده است، ولی نوشته اش رنگ و بوی تفسیر او را می دهد» (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۳۵).

جهاندار با ارجاع به مقاله دانش پژوه از ذکر منابع تن زده است و گفته: «مفسر در نگارش اثر خود به منابع پیشین توجه بسیار داشته است. منابع او را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: منابع تفسیری و عرفانی و ادبی. نقل های او گاه با ذکر منبع است و گاه بی ذکر منبع. بررسی این موضوع و توضیح دادن کامل و دقیق درباره آن نیاز به پژوهشی جداگانه و مفصل دارد» (جهاندار و ونوسفادرائی، ۱۴۰۳: ۱۸).

باری به جز منابعی که دانش پژوه برشمرده (تفسیر حسین مروزی، تفسیر شیخ مروزی، تاج القصص، تفسیر العتابی، تفسیر الفقیه ابی اللیث، تفسیر کاشانی، عجائب الدنیا، المصتف لبشاغری فی عصمة الأنبیاء، تأویلات و تفسیر ماتریدی)، دیگر منابع اند خودی که باید از آنها نام برد، عبارت اند از: کتاب امالی امام زاهد بکر زرنجری؛ کتاب التذہیب میرک بلخی؛ تفسیر امام حدادی؛ تفسیر منیر؛ تفسیر ثعلبی؛ الکشف و البیان؛ تفسیر قاضی عبدالصمد غزنوی.

در بخش دوم این مقاله تا آنجا که توان و دانش ما اجازه دهد، به بررسی این منابع پرداخته خواهد شد.

۲. بخش دوم مقاله

بکر زرنجری^۱ [بخاری]

در نسخه خطی ینابیع العلوم به شماره ۲۹۶ کتابخانه آیت الله مرعشی^(ع)، کتابت ۶۶۱ قمری، ابوبکر زرنجری ضبط شده و شاید در ضبط نام وی اشتباهی رخ داده است. گویا منظور اند خودی، بکر بن محمد بن علی بن فضل زرنجری بخاری بوده و در شمار فقیهان حنفی و مشهور به ابوحنیفه اصغر و متوفی ۵۱۲ است. این قاضی سرشناس ملقب به شمس الأئمة، از شیوخ سمعانی صاحب کتاب الانساب بوده است و به امالی او در کشف الظنون اشاره شده است؛ همان کتابی که اند خودی به نقل از آن عبارتی آورده است. صفدی او را از نوادگان صحابی بزرگوار پیامبر، جابر بن عبدالله انصاری برشمرده است (صفدی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۱۳۷).

ثعلبی و حدادی

درباره تأثیر تفسیر ثعلبی بر تفاسیر فارسی می شود بسیار سخن گفت؛ یکی از بهترین مقالات از شفیع کدکنی است با عنوان «ثعلبی، میبدی؟» که در کتاب در هرگز و همیشه انسان آورده شده

۱. زرنجری: منسوب است به زرنجر بر وزن سمنبر از قرای بخارا است.

است (نک: شفيعی، ۱۳۹۴) و منبع دیگر تفسیر امام حدادی یا همان تفسیر منیر است که تصحیح نسخه تازه یاب آن موضوع رساله نگارنده این مقاله است. در فصلی از آن رساله به تأثیر ثعلبی بر امام حدادی پرداخته شده است.

قاضی عبدالصمد یا زاهد غزنوی

نام این مفسر در چند منبع تفسیری تکرار شده است؛ از جمله در ینابیع العلوم، خلق الانسان نیشابوری، بصائر یمینی، تفسیر یعقوب چرخي و جواهر ملاحسین واعظ کاشفی. بر اساس متون نامبرده، احتمالاً عبدالصمد غزنوی همان قاضی زاهد، استاد بیان الحق نیشابوری و از خاندان قاضی القضاة یوسف بن اسرائیل بوده است (نک. حکیم، ۱۳۹۸). نگارنده در مقاله ای جداگانه به قاضی عبدالصمد (یا زاهد) غزنوی پرداخته است؛ در آن مقاله که امیدوارم در شماره بعدی «آینه پژوهش» منتشر شود، جایگاه و شخصیت واقعی این مفسر اندکی روشن شده است. به یقین تفسیر از او وجود داشته که بعدها در آثار دیگر بازتاب یافته است. می دانیم که تفسیری عربی منسوب به عبدالصمد غزنوی در آستان قدس رضوی وجود دارد (فنخا، ج ۸، ص ۶۵۷) و باید ربط و پیوندش با این قاضی عبدالصمد روشن گردد.

قاضی ابوعاصم

شخص دیگری که نام او در ینابیع العلوم و برخی تفاسیر فارسی آمده، قاضی ابوعاصم است. برای روشن شدن جایگاه و هویتش، ضروری است به نقل و ضبط اقوال او در تفاسیر فارسی توجه شود. این اقوال معمولاً به شکل روایت های پراکنده آمده؛ اما همین سخنان پراکنده اش مورد استناد منابع فارسی بوده است:

الف) تفسیر قرآن پاک (رواقی، ۱۳۴۸: ۶۱): گفت خواجه امام، رضی الله عنه که از قاضی ابوعاصم، رحمة الله علیه، شنیدم که او گفتی اندر زمانه ای جادوی چنان فاش گشت که گروهی مردمان معجزات پیغامبران خویش را، صلوات الله علیهم، به جادوی برگرفتندی و فرق ندانستندی کرد میان جادوی و میان معجزات. ایزد تعالی دو فریشته بفرستاد تا مریشان را با ...

ب) تفسیر منیر (حدادی، ۱۳۵۲: ۴۸): گفت خواجه امام رضی الله عنه که شنیدم از قاضی ابوعاصم عامری رحمت الله علیه که وی گفت: این هارون چنان پارسا بود، آن روز که وی بمرد، بر جنازه وی چندان مردم نماز کرد که در آن میان چهل هزار مردم هارون نام بود. یعنی گفتند او را قوم او: ای به پارسایی و عقیفگی ماننده به هارون.

ج) تفسیر بصائر (قاضی نیشابوری، ۱۳۹۸: ۱۳/۳: ۱۲۴۰): قاضی امام ابوعاصم عامری رحمه الله که او را ابوحنیفه دوم دانسته اند گفت که آلت این جنایت زبان بوده است و قانون شرع آنست که هرکه به آلتی جنایت کند عقوبت او آن باشد که آن آلت از وی قطع کنند و او را به فقد آن مبتلا گردانند؛ چنان که دزد را دست بُرند که دست سوی ملک مردمان دراز کرده است و راهزن مردمان، اکنون برین قضیه بایستی که زبان این قاذف که به زبان جنایت کرده است ببردندی.

د) دستنویس ۱۱۹۳۰ مجلس (طهماسبی ۱۳۹۹: ۱۴۷): [و ما کفر سُلیمان] ... به قول دیگر ایشان مهتران دیوانند پس ایشان و اتباع ایشان جادوی کردند و آن دو دیو گویند که کافر مشو از بهر اظهار حجّت در روز قیامت. و این قول قاضی ابوعاصم عامری است.

حافظ محمودخان شیرانی درباره ابوعاصم اطلاعاتی به دست داده؛ از جمله اینکه در هرات زیست و مذهب شافعی داشت و شاگردان و استادانش چه کسانی بودند (شیرانی، ۱۳۸۳: ۲۱) شیرانی بر این اساس احتمال داده که نویسنده قرآن پاک خواجه امام زاهدی باشد؛ اما بلافاصله رد کرده و توضیح داده که اگر تفسیر زاهدی (تفسیر درواجکی) در سال ۵۱۹ نوشته شده باشد، زبان قرآن پاک کهن تر از آن است. مسیحی پور مُصَحِّح تفسیر مفید با این گفته های شیرانی مخالفت کرده است و ابوعاصم را بر اساس سخنان ابن جزری، ساکن بصره و از عالمان قرائت دانسته است: «قاضی بو عاصمی که در تفسیر قرآن پاک و معانی کتاب الله آمده، عبدالواحد بن ابراهیم عامری است که شاگرد ابونصر شذائی بوده و خواجه امام هم عصر ابونصر شذائی بوده است ... قاضی بو عاصم هروی که محمودخان شیرانی معرفی کرده است، در سال ۴۵۸ درگذشته است و به خودی خود نمی تواند قاضی بو عاصم مورد نظر ما باشد» (مسیحی پور، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

مسیحی پور در ادامه به معرفی دو قاضی به نام بو عاصم پرداخته؛ یکی ساکن بصره و دیگری قاضی دمشق. اشتباه او آنجاست که امام حدادی را با ابوالیث سمرقندی یکی پنداشته و نیز تفسیر قرآن پاک را به خواجه امام نسبت داده است. همین خطاها سبب شده است که وی گمان کند قاضی بو عاصم در قرن چهارم زیسته، نه در قرن پنجم (همان، ۱۰۵). بر فرض که بپذیریم این قاضی بو عاصم همان باشد که مسیحی پور گفته و ساکن بصره باشد، در آن صورت نویسندگان تفاسیر فارسی در غزنه، بلخ و مرو کجا و قاضیان دمشق و بصره کجا؟

۱. منظور همان معانی کتاب الله و تفسیره المتبرکات امام حدادی است که ما به اختصار تفسیر منیر خواندیم. مسیحی پور پس از جلال متینی به تصحیح مجدد این تفسیر بر اساس نسخه سلطنتی محفوظ در توقیاتی سرای پرداخت.

در تکمیل سخنان مسیحی پور باید افزود که به گمان ما این قاضی بوعاصم نه بوعاصم هروی و نه بوعاصم عامری ساکن بصره و نه عامری دمشقی است، بلکه محمد بن احمد عامری مروزی است که از همه اشخاص نامبرده مشهورتر است و با قفال مروزی و امام حدادی هم عصر بوده است. سخن ما متکی است بر نوشته سمعانی در انساب که سال وفات وی را ۴۱۵ قمری ذکر کرده و نه ۴۵۸، چنان که شیرانی به نقل از کتاب اتحاف النبلاء گفته و نوشته است. همچنین سمعانی مکان دفن وی را مقبره‌ای به نام «سلکیانه» دانسته است (سمعانی، ۱۴۱۹: ۹۴/۴)؛ به گزارش سمعانی، سلطان محمود غزنوی او را مدتی در قلعه‌ای زندانی کرده است.

نکته دیگر آنکه ابن مازه در کتاب لطائف الاذکار: سفرنامه حج سال ۵۵۲ق، گورجای ابو عاصم عامری را در شهر مرو نشان داده است و نه هرات: «در شهر به محلت پای ماجان^۱ پیش مدرسه تمیمی قاضی امام ابو عاصم عامری است و علم و فضل و زهد و ورع او از شرح استغنائی دارد و "خواجه امام ابوالفضل کرمانی سراج امت است و منهاج شریعت ابوحنیفه کوفی را - رحمة الله علیه - به خواب دید و در خواب او را می فرمود: علیک بفقہ اى عاصم! سه بار سه بار این سخن مکرر کرد» (ابن مازه، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

سمعانی واژه «پای ماجان» را به صورت «أسفل ماجان» ترجمه کرده است. بعید نیست که درست بوده باشد؛ زیرا «ماجان» نام یکی از دو نهری است که در میان شهر مرو جریان داشته است. ابن عبدالحق در مراصد الاطلاع که مختصری از فرهنگ معجم البلدان یاقوت است، محله‌ای را نام برده و موضع آن را «أعلى ماجان» تعیین کرده است که محله الانبار و برازجان مرو جزئی از آن ناحیه بوده است (ابن عبدالحق، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۱۷۴).

این که ضبط درست این نام جای چه بوده است، در حال حاضر موضوع بحث ما نیست. هرچه هست، نام وی احمد بن محمد بن احمد عامری مروزی بوده و از بزرگان فقه ابوحنیفه است. کتاب مشهورش المبسوط در فقه حنفی است و کتابی هم به نام «الرموز علی اختلاف الفقهاء و

۱. این واژه را به صورت قیاسی تصحیح کردیم. مصحح کتاب، رسول جعفریان: بای ماخان ضبط کرده است. این نام گویا نام محلتی بوده از محله‌های قدیم مرو و مناره‌ای داشته که غزان آتش در آن زدند. استاد فروزانفر در مقدمه رساله قشیری (قشیری، ۱۳۷۴: ۵۷) خیلی مبسوط به شرح زندگانی ابونصر عبدالرحیم اولین فرزند قشیری پرداخته است. وی مریدی به نام ابونصر خرگردی داشته است که این ابونصر بر اثر حمله غزان به مناره پناه می برد، غزان آن مناره را به آتش می کشند و وی را با شماری از اهالی شهر در آتش می سوزانند. فروزانفر به این مناسبت از مناره پای ماجان نام برده است. همچنین می دانیم که «پای ماجان» نام رسمی در نظام خانقاهی قدیم بوده و گویا روش تنبیه گناهکاران به حساب می آمده است. حافظ می فرماید: به پی ماجان غریمت بسپریم (حمیدیان ۱۴۰۲: ۳۸۰۲/۵).

علامات اسمائهم» به او منسوب است که نسخه‌ای از این کتاب هم اکنون در کتابخانه مدرسه سپهسالار نگهداری می‌شود.

میرک^۱ بلخی

شمس‌الدین ذهبی او را چنین معرفی می‌کند: «محمد بن فضل بن محمد بن جعفر بن صالح، ابوبکر معروف به میرک بلخی کتاب التفسیر الکبیر را نگاشته. او از احمد بن محمد بن نافع و محمد بن علی بن عنبسه روایت می‌کند. وی در سال ۴۱۵ یا ۴۱۶ قمری فوت کرد. او کتاب الاعتقاد را که عقاید اهل سنت را روشن می‌کند، تصنیف کرد و به محمود بن سبکتگین داد.»^۲



تصویر ۱: نسخه ۱۴۵۰۱ مرعشی آیه ۱۰۲ بقره

۱. نباید با میرکی بلخی اشتباه شود. شاعری شیعی است که اصلش از بلخ بود و به اصفهان رفت و مدت چهل سال در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ق) در آن دیار سکونت داشت.
۲. منابع علوم و تفسیر قرآن تا پایان قرن پنجم هجری قمری (نسرین بحیرایی؛ فرهنگ سبز، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۳).



تصویر ۲: نسخه ۱۱۹۳۰ مجلس آیه ۱۰۲ بقره



تصویر ۳: نسخه ۱۱۹۳۰ مجلس آیه ۴۷ بقره



تصویر ۴: نسخه ۱۴۵۰۱ مرعشی آیه ۴۷ بقره

نتیجه

پژوهش حاضر کوششی بود برای بازخوانی و تصحیح دیدگاه‌های پیشین درباره تفسیر بنایب العلم و بررسی جایگاه قاضی عامری و عبدالصمد غزنوی در تفاسیر فارسی. بررسی نسخه‌ها نشان داد که بخشی از پژوهش‌های پیشین به ویژه در رساله طهماسبی، با وجود دقت و کوشش علمی، از منظر تطبیق نسخه‌ها و تشخیص هویت متن دچار کاستی‌هایی بوده است. دستنویس شماره ۱۱۹۳۰ کتابخانه مجلس که تاکنون اثری مستقل تلقی می‌شد، در واقع بخشی از همان تفسیر اند خودی است و درک درست این مسئله می‌تواند مسیر تصحیح کامل کتاب را هموار سازد.

از سوی دیگر، بازخوانی نام‌ها و اسنادها در نسخه‌های موجود نشان داد که شخصیت‌هایی چون قاضی عبدالصمد غزنوی و نیز قاضی ابوعاصم عامری، نقشی کلیدی در انتقال و تداوم تفسیر فارسی در قرن ششم داشته‌اند. این نام‌ها حلقه‌هایی در زنجیره شکل‌گیری تفاسیر متقدم چون تفسیر قرآن پاک و تفسیر منیر بوده‌اند. بر همین اساس، می‌توان از نوعی پیوستگی متنی و مکتبی میان تفسیر منیر حدادی و تفسیر قرآن پاک سخن گفت.

بازنگری در تاریخ تفاسیر فارسی و بازشناسی روابط درونی این متون، تنها با بررسی نسخه‌های خطی و تطبیق دقیق آنها ممکن است. تفسیر ینابیع العلوم در این میان جایگاهی محوری دارد و شناخت درست آن، مسیر تصحیح علمی و جامع تفاسیر فارسی را هموار می‌سازد.

کتاب‌نامه

- ابن مازہ، عبدالعزیز؛ لطائف الاذکار للحضار و السفار فی المناسک و الآداب؛ تصحیح و حواشی از رسول جعفریان. تهران: نشر علم، ۱۳۹۲ ش.
- اندخودی، یوسف؛ تفسیر ینابیع العلوم؛ نسخه خطی شماره ۱۴۵۰۱ کتابخانه آیت الله مرعشی^(ع)، کتابت حدود قرن هشتم.
- اندخودی، یوسف؛ تفسیر ینابیع العلوم؛ نسخه خطی شماره ۲۹۶ کتابخانه آیت الله مرعشی^(ع)، کتابت ۶۶۱ قمری.
- انوری، حسن و مرضیه مسیحی پور؛ «آگاهی‌های تازه درباره ابونصر حدادی و تفسیر معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۴۳، ۱۳۹۸ ش.
- آقامحمدی، امیرحسین؛ «نکاتی درباره تفسیر بصائر یمینی». گنجینه میراث اسلامی. زیر نظر مهدی مرعشی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی^(ع)، ۱۴۰۲ ش.
- بشری، جواد؛ «بایسته‌های تصحیح و پژوهش»؛ گزارش میراث. ش ۵۶-۵۷، ۱۳۹۲ ش.
- تفسیر قرآن پاک؛ به کوشش علی رواقی؛ با مقدمه حافظ محمودخان شیرانی؛ ترجمه عارف نوشاهی؛ تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۳ ش.
- تفسیر قرآن پاک؛ به کوشش علی رواقی؛ با مقدمه مجتبی مینوی؛ چاپ عکسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ ش.
- جهاندار ورنوسفادزانی، حسن؛ «پژوهشی در تفسیر ینابیع العلوم اندخودی»؛ آینه میراث، دوره ۲۱، ش ۲ (پاییز و زمستان)، ۱۴۰۲ ش.
- جهاندار ورنوسفادزانی، حسن؛ پژوهشی در تفسیر کهن پارسی ینابیع العلوم اندخودی؛ استاد راهنما: جواد بشری، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی (ادبیات محض)، دانشگاه تهران، ۱۴۰۳ ش.
- حدادی، ابونصر احمد بن محمد؛ معانی کتاب الله و تفسیره المنیر (نسخه شماره ۲۰۹ کتابخانه تویقایی استانبول)؛ به کوشش م. عمادی حائری؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- حکیم، سید محمد حسین؛ «ابیات فارسی در مجالس تفسیر قرآن در آغاز قرن ششم هجری در نیشابور: پژوهشی در کتاب خلق الانسان تألیف بیان الحق نیشابوری (د ۵۵۱ق)»؛ گزارش میراث، دوره سوم، ش ۷۸-۷۹، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- حمیدیان، سعید؛ شرح شوق (شرح و تحلیل اشعار حافظ)؛ ج ۵، تهران: قطره، ۱۳۹۴ ش.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج ۸، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ ش.
- رواقی، علی؛ فرهنگ‌نامه بزرگ قرآنی؛ دفتر یکم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵ ش.
- السمعانی، عبدالکریم بن محمد؛ الانساب؛ تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و آخرون؛ حیدرآباد: دایرةالمعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ ق.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد؛ الأنساب؛ مقدمه و تصحیح: عبدالرحمن البارودی. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ در هرگز و همیشه انسان: از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری؛ تهران: نشر سخن، ۱۳۹۴ش.

صفدی، خلیل بن ابیک؛ الوافی بالوفیات؛ تحقیق و أعتناء: احمد ارناووط و ترکی مصطفی؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

صفری آق قلعه، علی؛ «نسخه‌ای تازه‌یاب از تفسیر منیر اثر ابونصر احمد بن محمد حدادی»؛ گزارش میراث، دوره سوم. س ۱، ش ۳-۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش.

طهماسبی، مهین و تقی پورنامداریان؛ «واژه‌های فارسی مشکول در تفسیر شماره ۱۱۹۳۰ کتابخانه مجلس»؛ آینه میراث؛ دوره ۱۸. شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹ش).

فیروزبخش، پژمان؛ «ترجمه فارسی فاتحه‌الکتاب منسوب به سلمان فارسی»؛ در: پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار، دفتر بیست و سوم)؛ به کوشش محمد افشین وفایی و پژمان فیروزبخش؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۳ش.

قشیری، عبدالکریم؛ ترجمه رساله قشیریه؛ ترجمه ابوالفضل عثمانی؛ تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.

مسیحی پور، مرضیه؛ تحقیق در معانی کتاب‌الله تعالی و تفسیره المنیر و بررسی ارتباط آن با تفسیر قرآن پاک؛ استاد راهنما: حسن انوری؛ تهران: دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۶ش.

مولایی، محمدسرور؛ «آل حداد (یا خاندان غزنوی)»؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی غزنه و زبان و ادب فارسی؛ زیر نظر محمد دبیرمقدم؛ تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۴ش.

نیشابوری، معین‌الدین محمد؛ تفسیر بصائر یمینی؛ تصحیح و تحقیق: علی رواقی؛ تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۸ش.